

فرهاد نظری

فرمان واگذاری اراضی دارالخلافه ناصری^۱

۱. مقدمه

سندی که در اینجا معرفی می‌شود فرمائی است که در اواخر سال ۱۲۹۰ق، پس از نخستین سفر ناصرالدین شاه به فرنگستان، صادر شده است. موضوع آن واگذاری یکصد هزار ذرع از اراضی دارالخلافه تهران به میرزا فتح‌علی خان صاحب‌دیوان شیرازی به منظور توسعه شهر تهران است. متن فرمان بر کاغذی به ابعاد ۱۹×۳۲ سانتی‌متر و در هفت سطر، به خط شکسته نستعلیق نوشته شده است. بر پیشانی سند، مهر چهارگوش کلاهدک دار تذهیب‌شده ناصرالدین شاه با عبارات: «الملک لله / السلطان بن السلطان / ناصرالدین شاه قاجار» دیده می‌شود. سطر اول و دوم فرمان درباره اهمیت تهران و علت گسترش آن در جهت رفاه ساکنان و متوطنان و مراجعان است. در سطر سوم، سخن از واگذاری زمینهای خالصه دیوانی به امرا و اشراف و اعیان رفته است، تا به منظور آبادی و توسعه دارالخلافه هر چه می‌خواهند در آن بسازند. در سطر بعدی، سخن از اراضی واگذارشده به صاحب‌دیوان است، که بنا به درخواست خودش به او «مرحمت و عنایت» شده است. این فرمان از نظر شمول بر آگاهیهای تاریخ تحول شهر تهران اهمیت دارد؛ از جمله: علت و چگونگی گسترش تهران و تغییر نام آن از تهران به دارالخلافه ناصری؛ دیگر، آشنایی مختصر با میرزا فتح‌علی خان صاحب‌دیوان، که از رجال دربار قاجار بوده است.

۲. توسعه دارالخلافه ناصری^۲

طبق اخباری که در منابع دوره قاجار آمده، در سال ۱۲۸۴ق هم‌زمان با بیستمین سال سلطنت ناصرالدین شاه، چون «خطه دارالخلافه از جهت کثرت اهالی و تراحم نفوس به حدی رسید که شهر عتیق طهران آن همه جمعیت را از روی حقیقت بر نمی‌تافت»،^۳ شاه تصمیم گرفت که تهران را از هر طرف وسعت دهد، تا عموم رعایا و یرایا در مهد امن و امان و قرین رحمت باشند، از روی کمال فراغت معاش کنند.^۴

به این منظور، حدود شهر کهنه را برچیده و پیرامون شهر جدید، دیواری با طرح هشت‌ضلعی با دوازده دروازه ساختند و پای آن را خندقی حفر می‌کردند «که از برای مترددین معبر نباشد و شهر از آفت سیل مصون ماند».^۵ میرزا یوسف مستوفی‌الممالک صدراعظم و میرزا

در این مقاله، فرمائی از ناصرالدین شاه قاجار معرفی می‌شود که در سال ۱۲۹۰ق صادر، و به موجب آن یکصد هزار ذرع از زمینهای دارالخلافه تهران به میرزا فتح‌علی خان صاحب‌دیوان واگذار شده است. برای معرفی بهتر این سند و درک آن در بستر تحول تاریخی تهران، علاوه بر مشخصات ظاهری سند، از تاریخچه تحولات تهران در زمان این توسعه نیز یاد شده است. پس از آن، شخصیت و کارهای صاحب‌دیوان به اختصار معرفی، و در پایان متن سند و تصویر آن آورده شده است.



ت ۱. نقشه دارالخلافه
 طهران در سال ۱۸۵۲
 میلادی، ترسیم برزین

مالک آن بودند، یا در آن به آبادی پرداختند.^۷ از آن جمله است یکصد هزار ذرع زمینی که در ذی‌العقده سال ۱۲۹۰ ق به صاحب‌دیوان سپردند. بنا بر نشانی‌ای که در این سند آمده است، مکان اراضی اعطاشده به صاحب‌دیوان در محدوده چاله میدان در جنوب شرقی تهران، حد فاصل دروازه دولاب و دروازه نوساخته حضرت عبدالعظیم (ع) بوده است.^۸ ناصرالدین شاه پیش از این نیز، در عشر اول سلطنتش، برای توسعه دارالخلافه اقدامات مشابهی کرده بود:

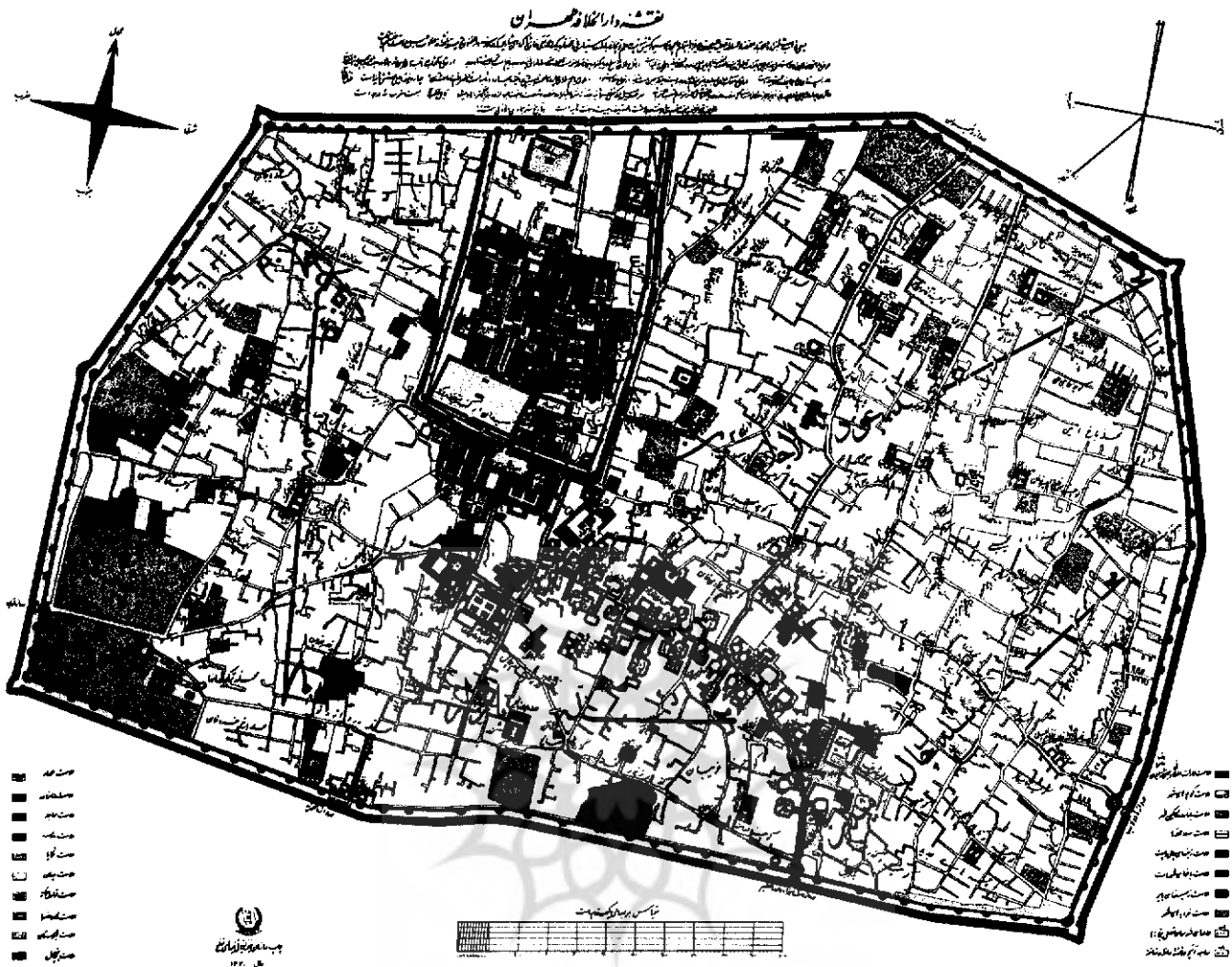
اراضی خالصه دیوانی واقعه در سنگلج را که خانه‌های جناب معیرالمالک، دام اجلاله، و غیره آنجاست و به باغ خسروخان و باغ قورخانه و باغ امان‌الله‌خان اشتهاار دارد، به جهت توسعه بر مردم دارالخلافه طهران و اخراج ایشان از تنگنای ضیق مکان، به رعایا انتقال فرمودند و از این جهت بر آبادانیهای جدید چندین هزار جریب بیفزودند به مباشر محمدتقی‌خان معمارباشی، به تاریخ مذکور [سال ۱۲۷۲ ق].^۹

دارالخلافه ناصری در سالیان بعد از ۱۲۸۴ ق به عمارات و اشجار و خیابانهای متقاطع و منظم مجهز شد،

عیسی وزیر دارالخلافه و جمعی از مهندسان و محاسبان مأمور انجام این کار شدند. شرح بنیاد شهر جدید، به نام دارالخلافه ناصری، در *المآثر والآثار* چنین آمده است:

تا روز یکشنبه یازدهم شهر شعبان همین سال هزار و دویست و هشتاد و چهار از هجرت، سرپرده ذات اقدس همایون را از شهر بیرون زدند و جمیع رجال و دولت و اعیان مملکت و وزراء مختار دول خارجه همگی حاضر گردیده سلام عام انعقاد یافت و بعد از خطابه خاصه مناسب این خیال مبارک ذات اقدس همایون به موقعی که استادان و مهندسان طرح خندق را ریخته بودند تشریح حضور ارزانی داشتند بالعادة و الاقبال. در این امر ذی‌بال به بسمله ابتداء فرموده به دست حق پرست کلنگی را که از نقره ساخته شده بود بر زمین نشانیدند و مشتی خاک بکنند و بیراکنند.^{۱۰}

پس از کوبیدن کلنگ افتتاح به دست ناصرالدین شاه و شاهزاده کامران میرزا نایب‌السلطنه، وزیر دارالخلافه متعهد شد که حفر خندق سه‌ساله تمام شود. اراضی بسیاری از دارالخلافه نوبنیاد را به امرا و اعیان و اشراف واگذار کردند تا به آبادان کردن شهر برآیند. به همین سبب، بخشهای مختلف تهران را به نام اشخاصی نامیدند که یا



پاکیزه و سنگ‌فرش شده و بولوارهای منجر احداث گردیده است. علاوه بر این، اکنون محلات اصلی شهر شبها با نور چراغ گاز روشن می‌شود و با حفر قنوات متعدد، آب مورد نیاز اهالی هم تأمین شده است. خلاصه چهره تهران کنونی به کلی با تهران قدیم فرق کرده است.^{۱۱}

گُرد کِرزن^(۱) (۱۸۵۹ - ۱۹۲۵) دارالخلافه ناصری را شهری می‌دید که بر مبنای شرقی شکل گرفته و جامعه اروپایی بر تن کرده است. به زعم او، تهران نخستین گامهای ترقی در جهت فرنگی شدن را برداشته و به راهی افتاده است که غایت آن را می‌توان شهرهای اروپایی فرض کرد.^{۱۲}

که «بر آیین معابر عامه ممالک اروپا شوسه شده است. همه جا عراده می‌رود و کالسکه می‌گردد و در بعضی از خیابانهای داخله، چراغهای گاز و برق نیز ایجاد شده است»^{۱۰}.

سیاحانی که تهران پیش از توسعه و بعد از آن را دیده‌اند، تفاوت‌های آن راه اعم از آبادانی زیبایی، برشمرده‌اند. بروگش^(۱) از قول یکی از دوستان ایرانی‌اش وضع رسیدگی به دارالخلافه تهران را توصیف کرده است:

طرح توسعه و تزئین پایتخت، که به سال ۱۸۷۲ میلادی آغاز شد، همچنان دنبال می‌شود. اکنون کوچه‌های کثیف و تنگ و تاریک آن دوران جای خود را به خیابانهای زیبا و عریض داده‌اند. همچنین میدانی عمومی مسطح و

ت ۲. نقشه دارالخلافه طهران در سال ۱۲۷۵ ق. ترسیم: کرشیش، معلم تویخانه مبارکه مدرسه دارالفنون.

(1) Ernst Brugsch

(2) George Nathaniel Curzon

(3) Ernest Orsolle



ت ۳. نقشه دارالخلافه
ناصری طهران در
سال ۱۳۰۹ ق.
ترسیم: عبدالقادرخان.
اراضی واگذار شده به
صاحب‌دیوان در بخش
جنوب شرقی این نقشه
قرار دارد.

صاحب‌دیوان

میرزا فتح‌علی خان (۱۲۳۶-۱۳۱۴ق)، فرزند علی‌اکبر خان قوام‌الملک شیرازی و داماد فتح‌علی‌شاه، از رجال دربار قاجار بود که مدت هفتاد سال در آن دربار به امور حکومتی و دیوانی اشتغال داشت.^{۱۴} او در سال ۱۲۵۶ق، در بیست‌سالگی، به تهران آمد و مدتی در دفتر استیفا اشتغال داشت. پس از آن حاکم ورامین شد و تا سنه ۱۲۶۹ق به میرزا فتح‌علی‌خان مستوفی معروف بود.^{۱۵} بعد از مرگ میرزا محمدشفیع آشتیانی صاحب‌دیوان در سال ۱۲۷۲ق، ناصرالدین‌شاه میرزا فتح‌علی‌خان مستوفی را در شهر شوال ۱۲۷۳ق به لقب صاحب‌دیوان مفتخر کرد.^{۱۶} در سال ۱۲۷۷ق، وزیر مظفرالدین میرزای ولی‌عهد در ایالت آذربایجان شد.^{۱۷} در سال ۱۲۸۱ق، به

ارنست اورسوله^{۱۸} (اورسل) (۱۸۵۸-؟)، که در سال ۱۸۸۲م به ایران آمد، از تغییرات تهران بعد از گسترش، مانند حفر نهرهای جدید، سنگ‌فرش میدانها و خیابانها، نوسازی بازار، ایجاد خطوط تلگراف، و افروختن چراغ‌گاز یاد کرده است. او پیش‌بینی کرده که در سالهای آتی و با ورود امکانات دیگر تهران شبیه شهرهای اروپایی می‌شود و البته:

در نهایت، تمدن ما برای یکی از کم‌نظرترین کشورهای جهان، که هنوز خود را با مظاهر دروغین آن آلوده نکرده است، علی‌رغم بعضی محاسن انکارناپذیر خود یک‌نواختی ملال‌انگیز و ابتدال واقعی به ارمغان خواهد آورد.^{۱۹}

چون صاحب‌دیوان در خدمات محوله به خود در آذربایجان کمال سعی را کرده است، به‌خصوص در امر قشون، در این اوقات که از رکاب مرخص شده و به آذربایجان می‌رود، او را به منصب جلیل وزیر نظامی مفتخر نمودیم که با کمال دلگرمی مشغول خدمات محوله به خود باشد. سنه ۱۲۹۰ تخاقوی‌نیل.^{۲۱}

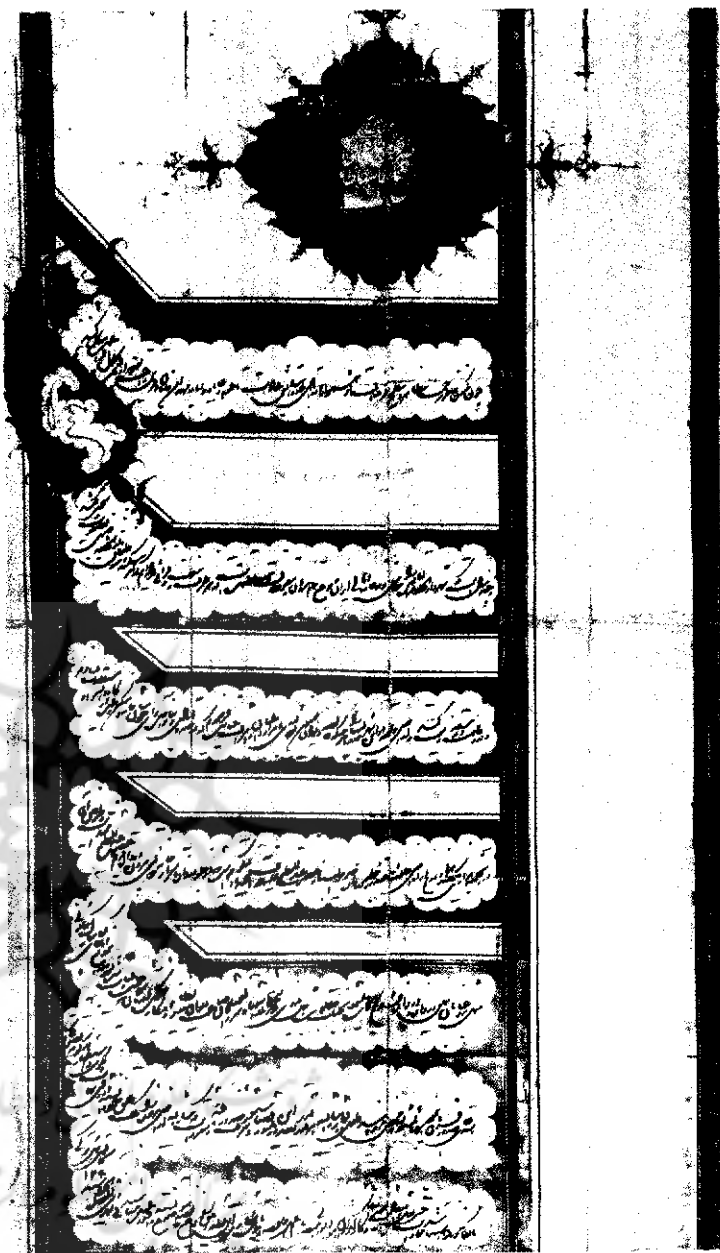
صاحب‌دیوان در سنه ۱۲۹۸ ق حاکم فارس و پیشکار جلال‌الدوله، پسر بزرگ مسعود میرزا ظل‌السلطان، شد.^{۲۲} از ۱۳۰۸ ق تا ۱۳۱۰ ق، به جای محمدتقی میرزا رکن‌الدوله پیشکار خراسان و متولی‌باشی آستان قدس رضوی بود.^{۲۳} صاحب‌دیوان مال و مکتب فراوان فراهم آورده بود. اعتمادالسلطنه دربارهٔ ثروتش در روزنامهٔ *خاطرات* می‌نویسد:

۱۱ صفر ۱۳۰۴: میرزا فتح‌علی‌خان صاحب‌دیوان مال و مکتب بی‌حساب دارد: تنباکو و آب لیموی معطر شیراز، خاصه شراب خلر که هوش از سر مهتر و کهنتر می‌ریاید؛ شال کشمیری و زر جعفری می‌دهد، و هر چه می‌خواهد می‌گیرد. خوان و خانه‌اش نیز آراسته و گسترده است. هفتاد سال عمر خود را در حکومت و مأموریت‌های بزرگ گذرانده.^{۲۴}

در جایی دیگر از *خاطرات*، او را مردی حریص خوانده^{۲۵} و دربارهٔ طمع صاحب‌دیوان می‌نویسد:

سه‌شنبه ۱۲ [صفر سنه ۱۳۰۴ ق]، روزنامه عرض کردم، شخصی در ایتالیا فوت شده که بنگاه کرور دولت از او مانده. در روزنامه نوشته بودند. همین که عرض شد، شاه فرمود افسوس که در ایران نبود که ظل‌السلطان و صاحب‌دیوان و غیره او را غارت کنند! معلوم شد همه چیز به حضرت همایونی معلوم است.^{۲۶}

این همان صاحب‌دیوان است که ناصرالدین‌شاه در فرمانش او را «دولت‌خواه بلاشتباه» خوانده و یکصد هزار ذرع از اراضی دارالخلافهٔ جدید را به او عنایت کرده تا آن را ملک طلق خود دانسته و هر کار که می‌خواهد انجام دهد، «حتی نقل و انتقال به غیر را». البته هیچ بعید نیست که شاه اراضی مذکور را در ازای دریافت پیشکش به وی عنایت کرده باشد. چنین معاملاتی معمول بوده و اعتمادالسلطنه در این باره اطلاعات جالبی عرضه داشته است:



جای حشمت‌الدوله حاکم خوزستان شد.^{۱۸} نیز در سال ۱۲۸۴ ق، به وزارت شاه‌زاده عین‌الدوله (ظل‌السلطان) در اصفهان رسید.^{۱۹} پس از آن، در سنه ۱۲۸۸ ق به وزارت مظفرالدین میرزا ولی‌عهد ایران در ایالت آذربایجان رسید.^{۲۰} در سال ۱۲۹۰ ق که ناصرالدین‌شاه نخستین بار به فرنگ سفر می‌کرد، صاحب‌دیوان را با یک ثوب جبهٔ شمسهٔ مرصع، به منصب جلیل وزیر نظامی سرافراز کرد. متن دست‌خط ناصرالدین‌شاه چنین است:

ت ۴. تصویر فرمان واگذاری اراضی دارالخلافهٔ ناصری به صاحب‌دیوان

جمعه ۱۶ - [شعبان سنه ۱۳۱۱ ق...]: خداوند رفع شر این حرامزاده و این دو پسر... السلطنه^{۲۷} غیر مرحوم را و این پیر اکبیر بی‌دین کاکاشیرازی بی‌قابلیت صاحب‌دیوان را از سر رعیت فقیر بیچاره ایران دور کند. تا اینها هستند، دولت را به مبلغ گزافی تطبیع می‌کنند، به حکومت می‌روند و رعیت را می‌چایند.^{۲۸}

چندی از آثار عمرانی صاحب‌دیوان از این قرار است: «ساختن و سنگ‌فروش کردن جمیع شوارع شهر شیراز در سنه هزار و دویست و نود و نه»^{۲۹} و باغ «دل‌گشا از بساطین مفصله شیراز»^{۳۰} و مرمت بنای بقعه و خانقاه شیخ سعدی، علیه‌الرحمه، در سال ۱۳۰۱ ق (اصل بنا از کریم‌خان زند بوده است) و تعیین پنجاه تومان وظیفه در حق متولی آنجا.^{۳۱} مسجد صاحب‌دیوان در محله عودلاجان تهران، ۱۳۰۲ ق، از بناهای میرزا فتح‌علی‌خان صاحب‌دیوان است.^{۳۲}

۴. متن فرمان

[مهر]:

المملک لله / السلطان بن السلطان / ناصرالدین‌شاه

قاجار

۱/ چون مکنون خاطر مرحمت‌مظاهر و مطمح نظر عدالت‌اثر همواره در آبادی بلاد و آسایش عباد است، تا عموم رعایا و برابری در مهد امن و آمان و قرین رحمت بوده، از روی کمال فراغت معاش کنند ۲/ و چند سال است که شهر دارالخلافه الباهره را، که محل توجه عامه اهالی ایران و مرجع تمام مردمان و مقر خلافت و سلطنت است، از هر طرف وسعت و فزونی داده‌ایم که امر سکنه و متوطنین دارالخلافه ناصری به صورت سختی نکشند ۳/ و در رفاهیت و توسعه تمشیت کنند و اراضی واقعه در این شهر جدیدالبنی را هر چه که خالصه دیوان همایون بوده قدری به امرا و اعیان و اشراف عنایت فرمودیم که در صد آبادی و بنا برآمده، برای خودشان خانه و مسکن و غیره از کاروان‌سرا و مستغلات بسازند.

۴/ از آن جمله، موازی یک‌صد هزار ذرع از اراضی خالصه باقیه در جلو دروازه جدیدالبنای حضرت عبدالعظیم، علیه آلاف التحیه و التکریم، است که از جلو دروازه سربازخانه دولتی بیرون دروازه قدیم حضرت عبدالعظیم تمتد است و طرفین آن ۵/ منتهی به دو خیابان



ت ۵. میرزا فتح‌علی‌خان صاحب‌دیوان، مأخذ: یادداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه، ص ۱۳۷

همین دروازه و دروازه قدیم دولاب می‌شود، به جناب جلالت‌مآب اجل فدوی دولت‌خواه بلاشتباه، میرزا فتح‌علی‌خان صاحب‌دیوان وزیر نظام و پیشکار مملکت آذربایجان، مرحمت و عنایت شده بود، و در این موقع خاک‌پای مبارک همایونی ۶/ استدعای صدور فرمان نمود. ایجاباً لمسئولیت و محض مزید امیدواری مشارالیه، امر قدر قدر به صدور این منشور قضا دستور شرف صدور یافت، و مقرر است که مشارالیه اراضی مزبوره را ملوک طلقی خود دانسته و از روی نهایت دلگرمی و استظهار، هرگونه تصرفات ۷/ مالکانه که خواسته باشد مجاز است؛ حتی نقل و انتقال به غیر را.

و کارگزاران امور دیوانی و متصدیان عمل خالصه تأییدی همکاری [؟] این قطعه زمین را از جمع خالصه موضوع دانسته و در عهده شناسند.

فی شهر ذی‌العقده الحرام سنه ۱۲۹۰، تخاقوی نیل ترکی □

کتاب‌نامه

- احتشام‌السلطنه، محمودخان. *خاطرات احتشام‌السلطنه*، به کوشش و تحشبه سید محمد مهدی موسوی، تهران، زوار، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. *مرآت‌البلدان*، به کوشش دکتر عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

۱۱. بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۱۴۵.
 ۱۲. کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ص ۴۰۷.
 ۱۳. اورسل، سفرنامه قفقاز و ایران، ص ۲۳۳.
 ۱۴. «میرزا علی اکبرخان قوام را چند فرزند بود: فتح‌علی‌خان صاحب‌دیوان، که در سال هزار و دویست و سی و شش متولد و در هزار و سیصد و چهارده در طهران در گذشته است و احترام‌الدوله، صبیحه فتح‌علی‌شاه را در خانه داشته و میرزا حسین‌خان مؤتمن‌الملک را از بطن احترام‌الدوله دارد.» - سدیدالسلطنه، سفرنامه سدیدالسلطنه، ص ۴۷.
 ۱۵. بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۷۰.
 ۱۶. هدایت، تاریخ روضه‌الصفای ناصری، ج دهم، ص ۸۹۲۸.
 ۱۷. بامداد، همان، ج ۲، ص ۳۰۴.
 ۱۸. همان، ج ۱، ص ۴۶۶.
 ۱۹. اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، ج ۳، ص ۱۵۷۰.
 ۲۰. همان، ج ۳، ص ۱۶۶۰.
 ۲۱. همان، ج ۳، ص ۱۷۳۹.
 ۲۲. بامداد، همان، ج ۵، ص ۷۶.
 ۲۳. بامداد، همان، ج ۱، ص ۵۲ و ۱۹۱.
 ۲۴. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، نقل شده در: بامداد، همان، ج ۳، ص ۷۲.
 ۲۵. اعتمادالسلطنه در یادداشت چهارشنبه ۳ شوال ۱۳۱۳ ق از مجلس قماری یاد می‌کند که در خانه یکی از رجال دربار و با حضور صدراعظم برپا شده بود، می‌گوید: «صاحب‌دیوان پیر و حریص هم در این محضر و محفل حضور داشته است.» - اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۱۰۶۰.
 ۲۶. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۴۶۳.
 ۲۷. قسمت اول لقب در اصل محو شده است (توضیح صحیح).
 ۲۸. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۹۳۵.
 اعتمادالسلطنه در جاهای دیگری از یادداشت‌های روزانه‌اش به این موضوع می‌پردازد: «شنبه ۹ - [رمضان سنه ۱۳۱۱ ق]: گوشت در طهران کمیاب است، نان گران، هیچ‌کس در فکر مردم نیست، خداوند وجود پادشاه ما را از نفرین این مردم محفوظ دارد. صاحب‌دیوان با هشتاد سال عمر که همه این عمر را غلط زندگی کرده است و قابل هیچ خدمت و مأموریتی نیست، هشتاد هزار تومان داد، حاکم کرمان شد.» همان، ص ۹۳۹. «شنبه ۱۹ - [رمضان سنه ۱۳۱۱ ق]: در این ایام، حکومت‌هایی که تغییر کرده است حکومت فارس و بنیاد بحر عمان است، که به رکن‌الدوله داده شد؛ حکومت گیلان به ملک آرا؛ حکومت کرمان به صاحب‌دیوان غلط مشهور، که هشتاد سال تمام است این مرد که به غلط در ایران مصدر خدمات بزرگ است.» - همان، ص ۹۴۷. بامداد در شرح حال رجال ایران در چند جا به پیشکش دادن صاحب‌دیوان برای تصاحب و تصدی امور حکومتی اشاره می‌کند: «صاحب‌دیوان در تاریخ ۵ شعبان ۱۳۰۸ هـ. ق. با دادن پیشکشی زیاد، به جای محمدتقی میرزا حاکم خراسان و متولی‌باشی استان قدس رضوی شد.» ج ۱، ص ۳۹۱. میرزا حسین‌خان، پسر صاحب‌دیوان، در سال ۱۳۰۱ ق «بر حسب استدعای صاحب‌دیوان، ملقب به مؤتمن‌الملک گردید.» - همان، ج ۵، ص ۷۶.
 ۲۹. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۱۱۰.
 ۳۰. سدیدالسلطنه، سفرنامه سدیدالسلطنه، ص ۵۲.
 ۳۱. همان، ص ۵۱؛ اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۱۱۳.
 ۳۲. معتمدی، جغرافیای تاریخی تهران، ص ۴۶۱.
 ۳۳. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۱۲۲.
 ۳۴. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۹۶.
 ۳۵. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۸۸.

روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، با مقدمه و فهرس
 ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.
 المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران در دوره
 پادشاهی ناصرالدین‌شاه)، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۶۳.
 اورسل، ارنست. سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه دکتر علی‌اصغر سعیدی،
 تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.
 بامداد، مهدی. شرح حال رجال ایران، تهران، زوار، ۱۳۷۵.
 بروگش، هینریش. سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه مهندس
 کردیجه، تهران، اطلاعات، ۱۳۴۷.
 سدیدالسلطنه، محمدعلی‌خان. سفرنامه سدیدالسلطنه (التدقیق فی سیر
 الطریق)، تصحیح و تمثیحه احمد اقتداری، تهران، بهنشر، بهمن ۱۳۶۲.
 کرزن، جورج ناتانیل. ایران و قضیه ایران، ترجمه غلام‌علی وحید
 مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
 معتمدی، محسن. جغرافیای تاریخی تهران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی،
 ۱۳۸۱.
 معبرالمالک، دوست‌علی‌خان. یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی
 ناصرالدین‌شاه، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
 هدایت، رضاقلی‌خان. تاریخ روضه‌الصفای ناصری، تصحیح و تمثیحه
 جنید کیان‌فر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۵، ج ۱۰.

پی‌نوشتها:

- این سند متعلق به مجموعه خصوصی دوست گرامی ام‌جناب آقای سهراب دریابندری است و نخستین بار است که منتشر می‌شود. از ایشان بابت در اختیار گذاشتن این برای معرفی و انتشار سپاسگزارم. همچنین از استاد ارجمند جناب آقای عمادالدین شیخ‌الحکمایی بابت بازخوانی و تصحیح متن سند و راهنمایی سودمند قدردانی می‌کنم.
- درباره تاریخ تهران، کتابها و مقالات بسیاری انتشار یافته است. در این مقاله برای برهیز از درازی سخن و پرداختن به اصل موضوع، صرفاً تغییرات و تحولات تهران در زمان توسعه، که این فرمان به منظور آن صدور یافته، بررسی می‌شود و خوانندگان را برای اطلاع بیشتر به منابع دیگر حواله می‌دهیم؛ از جمله: کریمان، تهران در گذشته و حال؛ هو، ری باستان؛ بلاغی، تاریخ تهران قدیم.
- اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۱۰۴.
- سطر اول سند.
- اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، ج ۳، ص ۱۵۶۶.
- اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۱۰۴.
- از این دست، می‌توان امیریه، منسوب به شاهزاده کامران میرزا امیرکبیر؛ کامرانیه از بلوک شمیران، منسوب به شاهزاده کامران میرزا؛ جلالیه، محمودیه را مثال زد. احتشام‌السلطنه در خاطراتش می‌گوید که بیلاق محمودیه را پدرش به نام او نامیده بود. وقتی او به حکومت ششم منسوب شد، محمودیه را به مبلغ شش هزار تومان به میرزا فتح‌علی‌خان صاحب‌دیوان فروخت، البته این کار را جزو سفارتهای خود شمرده و بر آن تاسف خورده است. در این باره، نک: احتشام‌السلطنه، خاطرات، ص ۱۶ و ۸۲؛ اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۹۵۶.
- خانه صاحب‌دیوان در این محله واقع بوده است، نک: اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۱۲۲.
- اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۹۶.
- اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۸۸.